

عباس ایمانی

وکیل پایه یک دادگستری

همگرایی حقوق و سیاست در اصل نود قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

● مقدمه

حضور ناگزیر و مداوم اندیشه‌ها و اشکال سیاسی در حقوق عمومی و به تبع آن در حقوق اساسی^{۱*}، چه از حیث تاریخ حقوق^{۲**} و چه از جهت مبانی نظریه‌ای، به رغم

۱- آمیختگی حقوق و سیاست در شعبه‌های دیگر حقوق عمومی نیز به روشنی مشاهده می‌شود: مبدأ حقوق اداری، دولت و اشخاص حقوقی اداری است و به واقع ابزار مهم دولت در اعمال حکومت و سیاست‌های عمومی محسوب می‌شود. حقوق مالیه با اعمال مقررات ناظر به بودجه عمومی و محاسبه آن و به طور کلی کنترل رابطه مالی دولت با افراد، سیاست پولی حکومت را (که ابزار اصلی تعیین سیاست ملی است) اعمال می‌کند. حقوق کار حضور دولت را در روابط کارگری و کارفرمایی و کنترل این قسمت مهم اجتماعی را که با نظم عمومی ارتباط دقیق دارد و بر سیاست عمومی تأثیر ویژه می‌گذارد، بررسی می‌کند. و اما حقوق کیفری، اساساً زاده حکام و دولت‌هاست، چه آنجا که حقوق و آزادی‌های فردی را با معیار منافع ملی و عمومی و حکومتی در حد امکان و به صورتی متغیر محدود می‌کند و گاه بر آنها لجام «کیفر» می‌کشد؛ و چه زمانی که به عنوان یک سازمان کیفری نه تنها خود جرایمی علیه حقوق اولیه بشر مرتکب می‌شود، بلکه نقش ماشین مهندسی جرم را نیز برای مقهور ساختن شهروندان و نقض حریم خصوصی آنان و تملیک و تصرف اموالشان (در مسیر اعمال و استحکام قدرت سیاسی خود) بر عهده دارد. ضمن آنکه دولت‌ها خود را متولی حفظ و حمایت از حقوق ملت نیز می‌دانند و علی‌الظاهر در تأمین و تضمین آن با وضع قانون و تعیین کیفر، می‌کوشند، و به مهمترین چالش‌های سیاسی ردای حقوقی می‌پوشانند. چه، عمده سیاست‌یون (و حکام)، از اهرم «کیفر» برای تقویت و بلندی قدرت غافل نمی‌مانند و چه بسیار قوانین کیفری که بطن و متن آنها مشحون از خواسته‌ها و امیال سیاسی و مطامع حکومتی است... بی‌راه نبوده که گفته‌اند: «سیاست با هر گوشه و کنار زندگی آدمیان سروکار دارد و در آن رخنه می‌کند... و سیاست مقرر می‌دارد که حق چیست و عدل چیست...». عزت‌الله فولادوند، خرد در سیاست، نشر طرح نو، چاپ دوم، ۱۳۷۷، صص ۷ و ۱۷.

۲- چنان که بسیاری از موضوعاتی که امروزه در «حقوق عمومی» مطرح‌اند در گذشته نه چندان دور، در «حقوق

برخی تفاوت‌های ساختاری*، عملاً و نظراً پذیرفته شده است**، حتی برخی در معنای حقوق نوشته‌اند: «دانش سیاست مُدن» و در باب حقوق اساسی گفته‌اند: «سردفتر و بنیان و مبنای سیاست مُدن است»***.

قطع نظر از بسیاری اصول مقرر در قانون اساسی ایران که به پدیده‌ها و آرمان‌ها و مهمترین مباحث سیاسی (یعنی دولت و نهادهای سیاسی و روابط ویژه فرد و دولت یا ارکان دولت با یکدیگر و نظایر آن) خصلت حقوقی بخشیده است، اصل نودم این تقارن و همگرایی را بین دو مفهوم «حقوق» و «سیاست» به گونه‌ای دیگر و به طرز ویژه متبلور ساخته است. چالش‌های حقوقی و سیاسی و بحث‌های عملی و نظری فراوانی که اجرای اصل مذکور در کمیسیون خاص اصل نودم مجلس شورای اسلامی به دنبال داشته، مؤید این مطلب تواند بود. از این‌رو، در این نوشته کوتاه، به واژگان و مبانی حقوقی - سیاسی این اصل نگریسته‌ام:

۱. واژه‌شناسی اصل نودم ****

سیاسی» طرح و بررسی می‌شد.
 * - مثلاً آنجا که «سیاست» در باب انواع حکومت‌ها از حیث تمرکز یا عدم تمرکز قدرت سخن می‌راند، «حقوق عمومی» قواعد و ساز و کار تقسیم و تسهیم قدرت را ساخته و نظم و نسق می‌بخشد. یعنی، اولی به «ساخت قدرت» می‌اندیشد و دومی به «ساختار قدرت».
 ** - به عنوان نمونه، رک: آندره دومیشیل و پی‌یر لالومی‌یر، حقوق عمومی، ترجمه دکتر ابوالفضل قاضی، نشر دادگستر، چاپ اول ۱۳۷۶، ص ۲۱؛ هانری لوی برون، جامعه‌شناسی حقوق، ترجمه دکتر ابوالفضل قاضی، نشر دادگستر، چاپ سوم، ۱۳۷۶، ص ۹۲؛ دکتر ابوالفضل قاضی، حقوق اساسی و نهادهای اساسی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸، ص ۷۶ به بعد؛ و از همان نویسنده: بایسته‌های حقوق اساسی، نشر میزان، چاپ هشتم، ۱۳۸۱، ص ۲۴؛ دکتر منوچهر طباطبایی مؤتمنی، حقوق اساسی، چاپ اول ۱۳۸۰؛ ص ۱۴ دکتر ناصر کاتوزیان؛ مبانی حقوق عمومی، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۱۴ به بعد؛ و مقدمه علم حقوق، انتشارات مدرس، چاپ یازدهم، ۱۳۶۸، ص ۴۵.

-Introduction to jurisprudence, M.D.A. Freeman, seventh edition, Sweet & Maxwell, p.953-986.

**** - محمد علی فروغی (دکاءالملک)، حقوق اساسی (یعنی آداب مشروطیت دُول، چاپ اول (ویرایش د. م.) انتشارات کویر، ۱۳۸۲، صص ۲۱ و ۲۲.

***** - اصل نودم قانون اساسی: «هرکسی شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضاییه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضاییه مربوط است. رسیدگی و

۱.۱. اصل نود با واژه «هرکس» آغاز گشته و شمول شکات را مطلقاً عام در نظر گرفته و به تک تک افراد مقیم در ایران توسیع داده است. از این رو، حق شکایت به موجب اصل نود برای عموم ناس حاصل است خواه مرد باشند خواه زن، صغیر یا کبیر، تبعه یا بیگانه (مقیم در ایران)، حقیقی یا حقوقی و خصوصی یا دولتی.

۱.۲. منظور از واژه «شکایت» در اصل نود، اعم است از دادخواهی، تظلم و تشکی، اعتراض کردن به کسی یا موضوعی و بطور کلی عرض هر گونه مطلبی که به نوعی ابراز نارضایتی و ناخشنودی و گله مندی از چیزی یا کسی (ناشی از طرز کار یکی از قوای سه گانه) باشد. بدین سان، «شکایت» در اینجا، نسبت به معنای خاص آن که «تظلم و اعلام جرم و طرح دعوی به مراجع قضایی» می باشد، مفهوم عام و وسیع تری دارد.*

۱.۳. منظور از «طرز کار» سه قوه که به نوعی بیانگر نوع شکایتی است که می توان از قوای مزبور کرد، شیوه و نوع و گونه انجام کارها و وظایف هر یک از سه قوه می باشد که قانوناً عهده دار آن هستند. نظر به گستردگی وظایف سه قوه مزبور که در قانون اساسی (وبه تبع آن در قوانین عادی) مقرر گردیده است و به واسطه سازمانها و وزارتخانهها و تشکیلات اداری و قضایی اعمال می گردند، دایره شمول و حدود انواع شکایت هایی که می توان طبق اصل نود تقدیم کرد، بسیار پر دامنه و نامحصور می گردد و ممکن است از شیوه کارهای مربوط به سه قوه که از حیث سلسله مراتب اداری جزء ساده ترین کارهاست (مثلاً یک عمل اداری ساده) باشد و یا بر حسب مورد شکایت مطروحه، نوع کار رؤسای سه قوه را در بر بگیرد.**

پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند.» موضوع اصل مذکور در اصل سی و دوم قانون اساسی مشروطه نیز چنین مقرر شده بود: «هرکس از افراد ناس می تواند عرض حال یا ایرادات یا شکایات خود را کتباً به دفترخانه عرایض مجلس عرضه بدارد. اگر مطلب راجع به خود مجلس باشد جواب کافی به او خواهد داد و چنانچه مطلب راجع به یکی از وزارتخانههاست بدان وزارتخانه خواهد فرستاد که رسیدگی کند و جواب مکفی بدهند.»

** - چنان که این واژه در ادبیات فارسی نیز به معنای عام ناله و شکوه و تظلم بسیار به کار رفته، به عنوان نمونه: حافظ «شکایت» از غم هجران چه می کنی در هجر وصل باشد و در ظلمت است نور دوش زین غصه نخفتم که فقیهی می گفت حافظ ار مست بود، جای شکایت باشد *** - بدین اعتبار، از طرز کار نهادها و سازمانهایی که قانوناً جزء سه قوه نباشند، نمی توان طبق اصل نود شکایت کرد، مانند: نهاد رهبری (اصل ۱۱۰) و شورای نگهبان (اصل ۹۱) و شورای عالی امنیت ملی (اصل ۱۷۶)

۱.۴. منظور از واژه «رسیدگی» به شکایات در اصل نود، غیر از «رسیدگی قضایی» است، زیرا اولاً رسیدگی به شکایات مربوط به اصل نود توسط «کمیسیون خاص اصل نود» صورت می‌گیرد که به موجب ماده ۲۹ قانون آیین‌نامه داخلی مجلس (مصوب ۱۳۷۸/۷/۱۸) تشکیل می‌گردد و اعضای آن کلاً از نمایندگان مجلس خواهند بود (که صلاحیت و شرایط قضاوت کردن به معنای خاص را دارا نیستند)؛ ثانیاً رسیدگی به شکل مذکور، فاقد مراحل دادرسی به معنای قضایی آن است و اساساً و ذاتاً «ترافعی» و «تناظری» نیست بلکه اطلاعی بوده و ناشی از اصل نظارت اطلاعی مجلس (به عنوان نمایندگان مردم) به موضوع رسیدگی کرده و از طرز کار شخص یا سازمان یا نهاد مورد شکایت تحقیق و سؤال می‌کند که نتیجه آن غیر از نتایج حاصله از رسیدگی‌های قضایی در قوه قضاییه می‌باشد.

۲. مبنای اصل

محتوای اصل نود، آورده حقوق نوین و مبتنی بر حکومت جمهوری (دموکراسی)* است و مؤید این است که دولت (به معنای عام) و مقامات عمومی در خصوص عملکرد خود نزد ملت پاسخگو و مسؤول هستند. چه، سلب خودکامگی از دولت، مستلزم پاسخگویی و مسؤولیت اوست. امروزه از مهمترین محدودیت‌های قدرت، عدم فعالیت مایشاء و وجود طرز کار قانونی است که بازتاب آن در قانون اساسی است. برای مهار قدرت، غایب قدرت را قانون تعیین می‌کند و در حرکت به سوی غایت، قدرت را «که عمدتاً در قوای سه‌گانه کشورها تبلور می‌یابد» پاسخگو و مسؤول می‌داند، تا تضمینی

و شورای بازنگری قانون اساسی (اصل ۱۷۷) و خبرگان رهبری (اصول ۱۰۷ و ۱۰۸). نیز به موجب ماده ۵ قانون نحوه اجرای اصل نودم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۶۵/۸/۲۵): «کمیسیون صرفاً به شکایاتی که از روش و طرز کار مجلس یا قوای مجریه و قضاییه باشد رسیدگی می‌کند.»

* - جمهوری از نظر مفهوم کلمه، اغلب درجاتی از دموکراسی را نیز دربر دارد. در مورد مذکور در فوق، آن نوع جمهوری مدنظر است که وجهه و ماهیت دموکراتیک دارد. چه، بسیاری از دیکتاتورهای غیرسلطنتی نیز نام جمهوری نامیده می‌شوند و در این وجه، حکومت «جمهوری» تنها به معنای حکومت «غیرسلطنتی» است و نه حکومت «دموکراتیک» (برگرفته از: دانشنامه سیاسی، داریوش آشوری، انتشارات مروارید، چاپ دوم، ۱۳۷۰، ص ۱۱۱). البته بحث ما در این مقاله صرفاً مبنای اصل نودم قانون اساسی ایران است، و از بررسی این که حکومت «جمهوری اسلامی» ایران از کدام نوع جمهوری ملهم است، خروج موضوعی دارد.

باشد بر اصل «قدرت قانونی».

بدین ترتیب، مبنای اصل نود متکی بر مبانی حکومت دموکراتیک است، یعنی «مسئولیت‌پذیری حکام و مقامات سیاسی». «در دموکراسی‌ها مقامات عمومی، مسئول و پاسخگوی تصمیم‌ها و اعمالی هستند که اتخاذ می‌کنند. بدون مسئولیت‌پذیری دموکراسی ممکن نیست. از همین رو طبعاً باید عامه مردم بتوانند از مقامات در مورد اعمال و تصمیم‌هایشان پرس و جو کنند. به ویژه «مقاماتی که از جانب مردم انتخاب می‌شوند، باید در مقابل آنها پاسخگو باشند.»*

«پاسخگویی یکی از مهمترین موضوع‌های مورد علاقه در حکومت دموکراتیک است. برای کارآیی یک نظام سیاسی دموکراتیک، لازم است که شهروندان همیشه راه‌هایی در اختیار داشته باشند که، با استفاده از آنها، مقام‌های دولتی را در برابر اعمال و تصمیم‌های خود پاسخگو کنند. اساسی‌ترین فرض حکومت دموکراتیک این است که دولت در برابر مردم مسئول است... بسیاری از دولت‌ها مقام‌هایی ایجاد کرده‌اند که کارکردشان دقیقاً جوابگویی به نگرانی‌ها و شکایت‌هایی است که ممکن است شهروندان از دولت داشته باشند. نقش این کارگزاران ایجاد ارتباط مستقیم بین افراد و دولت، و فراهم کردن خدمات شخصی برای شهروندانی است که می‌خواهند به شکایتی خاص جواب داده شود...»**

اصل پاسخگویی مقامات عمومی که مبنای سیاسی و حکومتی دارد، به مدد حقوق، نظام و انسجام و الزام قانونی یافته و در گرانگه حقوق (قانون اساسی) جای گرفته است. چنین است عجین شدگی حقوق عمومی با سیاست.***

* - حسین بشیریه، درس‌های «دموکراسی برای همه» مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۱۳۵.

** - دایرةالمعارف دموکراسی، زیر نظر سیمور مارتین لیپست، ترجمه کامران فانی و نورالله مرادی، کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه، جلد اول، چاپ اول، ۱۳۸۳، ذیل مدخل: پاسخگویی.

*** - رابطه عمیق حقوق و سیاست عمده‌تاً در مبحث دولت (State) متمرکز شده است، در این زمینه ر.ک:

An introduction to constitutional law, Eric Barendt, Oxford University Press, pp.21-25,89,149-164:

Politics the basics, Stephan D. Tansey, Second edition, Routh edge, pp.49-65, 184-189.

کما اینکه گفته‌اند: «علم سیاست به معنای درست کلمه، علمی است که دولت را بررسی می‌کند.» (نقل از: اندرو،

وینست، نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۷۱، ص ۲۰)

۳. شیوه رسیدگی

مرجع مستقیم رسیدگی به شکایات اصل نود، نهاد مجلس است؛ اما منظور از قید «مجلس» در اصل مذکور، رسیدگی کل نمایندگان در صحن علنی مجلس به موضوع شکایت نیست، زیرا: این امر عملاً ممکن نیست و با وظیفه اصلی مجلس که قانونگزاری است، مطابقت ندارد. بدین منظور، در مجلس کمیسیون خاصی به نام «کمیسیون اصل نود» تشکیل شده و صلاحیت و حدود اختیارات آن در قوانین عادی مرتبط با اصل نود، تعیین و مقرر گردیده است که اجمالاً به شرح زیر بیان می‌شود:

۳.۱. کمیسیون اصل نود:

رسیدگی منظور در اصل نود، در کمیسیون اصل نود صورت می‌گیرد. کمیسیون اصل نود، یک کمیسیون خاص است و نه تخصصی (ماده ۲۹ قانون آیین‌نامه داخلی مجلس مصوب ۱۳۷۸/۷/۱۸). در ماده ۳۲ قانون مذکور درباره کمیسیون مذکور به عنوان یک کمیسیون خاص مقرر شده است: «به منظور اجرای اصل نودم (۹۰) قانون اساسی کمیسیونی به نام کمیسیون اصل نودم قانون اساسی تشکیل می‌گردد تا طبق قوانین مصوب مربوط به خود اداره و انجام وظیفه کند.» تعداد اعضای کمیسیون اصل نود بنا به تشخیص هیأت ریسه مجلس و رؤسای شعب حداقل نوزده و حداکثر بیست و سه نفر خواهد بود (ذیل ماده ۲۹ قانون فوق‌الذکر).

هرچند که در قانون آیین‌نامه داخلی مجلس «کمیسیون خاص» تعریف نشده است، اما صرف «خاص» بودن کمیسیون مذکور، اصل نودم را میان اصول قانون اساسی ویژگی خاص می‌بخشد.

۳.۲. صلاحیت و حدود اختیارات کمیسیون:

الف) به موجب «قانون اجازه مکاتبه و تحقیق مستقیم به کمیسیون اصل ۹۰ با دستگاه‌های دولتی جهت رسیدگی به شکایات مردم» (مصوب ۱۳۵۹/۱۱/۱)، این کمیسیون می‌تواند با قوای سه‌گانه جمهوری اسلامی و تمام وزارتخانه‌ها و اداره‌ها و سازمان‌های وابسته به آنها و بنیادها و نهادهای انقلابی و مؤسساتی که به نحوی از انحاء به یکی از قوای فوق‌الذکر مربوط می‌باشند مستقیماً مکاتبه یا به آنها مراجعه کند و برای رسیدگی به شکایات کتبی که از طرف مسئولین مربوطه بدون جواب مانده و یا جواب

قانع‌کننده بدانها داده نشده و رفع مشکلات، توضیح بخواد و آنها مکلفند در اسرع وقت جواب کافی بدهند. مطابق تبصره ماده واحده قانون مذکور (الحاقی مصوب ۱۳۶۴/۲/۵)، «مسئولین و مأمورین مذکور در ماده واحده مذکور... مکلفند پاسخ کافی و مستند خود را حداکثر ظرف مدت یک ماه از تاریخ وصول کتباً به کمیسیون اصل نود اعلام کنند، تخلف از این قانون جرم محسوب و متخلف به مجازات حبس از سه ماه تا یکسال و انفصال از خدمات دولتی از شش ماه تا یکسال محکوم خواهد شد و موضوع تخلف در مراجع صالحه قضایی با درخواست کمیسیون قابل رسیدگی است...»

ب) کمیسیون اصل نود علاوه بر اختیارات مصرح در قانون مذکور در فوق، می‌تواند جهت کسب اطلاعات کافی از مسئولین مذکور در آن ماده دعوت یا مستقیماً با آنها مکاتبه کند و آنها مکلف به اجابت هستند و در صورت تخلف و ثبوت جرم عدم پاسخگویی توسط کمیسیون و اعلام آن، دادگاه صالح موظف است خارج از نوبت رسیدگی و در صورت ثبوت جرم مقدار کیفر مذکور در تبصره ماده واحده را مشخص و نتیجه را به کمیسیون اعلام کند (ماده ۲ قانون نحوه اجرای اصل نودم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۵/۸/۲۵).

ج) چنانچه شکایتی نیاز به تحقیق و بررسی داشته باشد، کمیسیون می‌تواند بازرسی یا بازرسانی را از میان نمایندگان مجلس شورای اسلامی به انتخاب هیأت ریسه کمیسیون اعزام کند. در این صورت مسئولین ذیربط موظفند همکاری لازم را از هر جهت با آنان معمول دارند (ماده ۳ قانون یاد شده). کمیسیون مذکور می‌تواند انجام بازرسی‌های فوق‌العاده درخصوص مورد شکایت را از سازمان بازرسی کل کشور درخواست کند که در این صورت سازمان یاد شده اقدامات لازم معمول داشته و نتیجه بازرسی را به آن کمیسیون اعلام خواهد کرد (بندهای ب و ج ماده ۲ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۶۰/۷/۱۹ اصلاحی ۱۳۷۵/۵/۷).

بنابر مراتب بالا، رسیدگی به اصل نود، به معنای رسیدگی قضایی نیست بلکه به معنای بررسی و تحقیق راجع به موضوع مطروحه است و این غیر از قضاوت به معنای خاص و صدور حکم قضایی است.

۴. ضمانت اجرای اصل نود

ضمانت اجرا در حقوق عمومی و روابط بین‌المللی (برعکس شاخه‌های دیگر حقوق)، موضوعی است که بسیاری نویسندگان آن را ناقص دانسته‌اند، برای مثال، تکالیفی که قانون اساسی برای قوه مجریه یا نمایندگان مجلس تعیین کرده ضمانت اجرای مؤثر و مستقیمی ندارد... در مقابل بسیاری از مؤلفان نیز گفته‌اند، در این گونه موارد نیز قواعد حقوقی بی‌ضمانت اجرا نیست و مسؤولیت‌های سیاسی مأموران قوه مجریه در حقوق اساسی و در خطر افتادن حیثیت بین‌المللی دولت‌ها و معامله به مثل از طرف زیان‌دیده، ضامن اجرای آنهاست.*

در اجرای اصل نودم قانون اساسی نیز قانونگذار ضمن توجه غیرمستقیم به ضمانت اجرای قضایی (مجازات متخلف) برای مشتکی عنهم، اساساً به ضمانت اجرای سیاسی و اجتماعی (مجازات اخلاقی و اجتماعی) نظر داشته و علیه دولتمرد خاطی، یا هر دو ضمانت اجرای فوق و یا یکی از آن‌ها را برحسب موضوع به کار بسته است که ذیلاً بیان می‌گردد:

۴.۱. ضمانت اجرای قضایی:

کمیسیون پس از بررسی شکایت و احراز تخلف، از دادگاه صالح تقاضای رسیدگی قضایی خارج از نوبت می‌کند (تبصره ماده ۵ قانون فوق‌الذکر). بنابراین، رسیدگی در کمیسیون اصل نود در حد احراز تخلف باقی می‌ماند و بر رسیدگی‌های آن کمیسیون، مستقیماً هیچ ضمانت اجرای کیفری یا مدنی مترتب نیست. بدین جهت، رسیدگی در کمیسیون مزبور را نباید با قضاوت دادگاه اشتباه کرد.** و به همین دلیل، حکم اصل نود، فی حد ذاته، فاقد وصف قضایی است. به بیان دیگر، احراز

* - برگرفته از دکتر ناصر کاتوزیان، مقدمه علم حقوق، صص ۲۸ و ۲۹.

** - هرچند که رابطه رسیدگی با قضاوت «لزوم» است. بنابر اصل لزوم در منطق، رسیدگی و قضاوت لازم و ملزوم یکدیگرند، به طوری که وجود رسیدگی متوقف بر قضاوت است و بالعکس. هر وقت رسیدگی وجود پیدا کند قضاوت هم به عنوان نتیجه آن، لاجرم وجود می‌یابد. آنچه می‌ماند، نوع قضاوت است. قضاوت به معنای عام کلمه و به طور مطلق، به معنای داوری کردن و اظهارنظر است (فرهنگ بزرگ سخن) و به طور خاص و مقید در معنای فصل خصومت و تعیین کیفر و صدور حکم در دادگاه به کار می‌رود. بدین اعتبار، رسیدگی در اصل نود، منجر به قضاوت به معنای عام آن می‌گردد.

تخلف قضاوت نیست اما شیوه‌ای خاص از تشخیص رفتار غیرقانونی فرد مسؤول است که قانون به کمیسیون اصل نود اعطا کرده است و این امر مصرح و مبرهن را قضاوت دادگاهی تلقی کردن، مسامحه در تشخیص مفاهیم شکننده حقوقی و قانونی می‌باشد که باید از آن پرهیز کرد. ناگفته نماند، احراز تخلف در خلاء صورت نمی‌پذیرد و نیاز به تحقیقات و بررسی‌های قانونی و حقوقی، و به عبارت آخر «رسیدگی» دارد و در این فرآیند، رگه‌هایی از تحقیقات حقوقی و قضایی* وجود دارد، اما به هر حال، رسیدگی خاص است که چون فاقد مراحل دادرسی به معنای قضایی آن است و اساساً و ذاتاً «ترافی» و «تناظری» نیست بلکه اطلاعی و ناشی از نظارت اطلاعی در سایر قوا می‌باشد، لذا بی‌شک غیرقضایی تلقی می‌شود.

۴.۶. ضمانت اجرای اجتماعی و سیاسی:

مطابق ذیل اصل نودم، کمیسیون مذکور باید در مدت متناسب نتیجه را اعلام کند و در موردی که مربوط به عموم باشد، به اطلاع عامه برساند. نتیجه رسیدگی کمیسیون، نفیاً یا اثباتاً باید به صورت گزارش تهیه و پس از ارایه به هیأت ریسه مجلس بدون رعایت نوبت در دستور کار مجلس قرار گیرد و در اولین جلسه علنی قرائت گردد. (ماده واحده نحوه گزارش کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی مصوب ۱۳۶۶/۹/۳). مجازات اجتماعی و اخلاقی** و تنبیه سیاسی می‌یابد، سپس عنداللزوم محکومیت دادگاهی (توسط دادگاه صالح و به درخواست کمیسیون) بر وی تحمیل خواهد شد. چنان که در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، برخی اعضا در مخالفت با اصل ۹۰ آن را «تشریفاتی» و «بیهوده» توصیف می‌کردند که نایب رییس مجلس مذکور «شهید بهشتی» در پاسخ به آنان، ضمن تأکید بر ضرورت پیش‌بینی اصل یاد شده در قانون اساسی، «رأی ندادن مردم به نمایندگان بی‌اعتنا به شکایات مردم» و «انعکاس شکایات در مطبوعات» و «آگاهی

* - طرفه آنکه شورای نگهبان در نظریه مورخه ۱۳۶۶/۷/۸ ارایه مطالب «دفاعی» توسط وزرا در برابر گزارش کمیسیون اصل نود را مغایر قانون اساسی ندانسته است. یعنی وزرا می‌توانند در برابر کمیسیون مذکور از خود دفاع کنند (شکلی از رسیدگی).

** - درخصوص مفهوم مجازات اخلاقی و اجتماعی، ر.ک: فرهنگ اصلاحات حقوقی کبفری، به قلم راقم این سطور، نشر آریان، چاپ اول، ۱۳۸۲، مدخل شماره ۸۳۶.

عموم» از آن را ضمانت اجرای مناسبی برای شکایات مطرح در مجلس دانسته است.* در ضمن، برای احراز «مربوط به عموم بودن» شکایت، معیار ساده عقلی و منطقی وجود دارد و آن، رجوع به افکار عمومی و نیز به موضوع شکایت و جوانب آن نگرستن است. شکایتی را که غیر از شاکی، افکار عمومی (جراید و رسانه‌ها و گروه‌های حزبی و غیرحزبی) نیز دنبال می‌کنند، به شکلی که نفی یا اثبات آن در نزد عموم اهمیت می‌یابد (البته به تشخیص کمیسیون اصل نود) لامحاله باید مربوط به «عموم» دانست. قرائت گزارش کمیسیون اصل نود در صحن علنی مجلس، مهمترین پیامد سیاسی و اجتماعی اصل نود است که حضور «سیاست» را در «حقوق» توجیه می‌کند.

● نتیجه‌گیری:

با توجه به اصطلاحات و مفاهیم به کار رفته در اصل نودم قانون اساسی ایران، درمی‌یابیم که مبنای اصل و آثار و پیامدهای رسیدگی به شکایات مطروحه به استناد اصل مذکور، متکی و مبتنی بر اندیشه‌های نوین سیاسی است که به قاعده حکومت دموکراتیک، دولت و مقامات عمومی را در مقابل ملت پاسخگو می‌داند و خروج آنان را از مبادی و مراحل قانونی در انجام وظایف و طرز کارشان برنمی‌تابد و احراز تخلف آنان را توسط وکلای مردم (نمایندگان مجلس در کمیسیون اصل نود)، به شکل اعلام و اطلاع عمومی و برای رعایت قانون و حقوق ملت و حذر از خودکامگی، تضمین می‌نهد. بنابراین ویژگی‌های منحصر به فرد مربوط به اصل مذکور، این اصل، خلاصه ملت است در برابر دولت (به معنای عام). «هر کس» از شهروندان را به خود راه داده و فراقوایی عمل می‌کند. ناظر فعال است. ملجاء خاص است برای عام. واماندگان از ایفا یا استیفای حق خویش را همچون مرهمی بر زخم به خود می‌خواند و درد نیوش کسان بی‌کس است که از «طرز کار» هر یک از سه قوه (حتی خود مجلس) ظلم یا بی‌عدالتی و ناروایی دیده‌اند؛** خاصه و طرفه آن که، فرمانروا و متصدی و حکمران را، عنداللزوم

* - صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ جلسه سی و پنجم، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، جلد دوم، ۱۳۶۲، ص ۹۲۶.

** - در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، آیه‌الله مکارم شیرازی در موافقت با اصل نودم، آیه ۱۴۸ از سوره

در مقام مشتکی عنه می نهد، و فرمانبر ذی حق ظلم دیده را در جایگاه شاکی. فی الواقع، شکلی است معکوس از دوران استبداد و خودکامگی که در آن قدرت عمومی پاسخگویی را بر نمی تافت... و اینجاست که حقوق، سیاست را در بطن خود راه داده و آن را نظم و اعتلا می بخشد و به یاری زیاندیدگان از قدرت عمومی می شتابد.



شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نساء را می خواند: «خداوند آوازی را که به سخن زشت بلند است دوست نمی دارد، مگر از کسی که ستم بر او رفته است، خداوند شنوا و داناست.» (همان مأخذ، ص ۹۲۸).